

## ظرفیت و توسعه

مظفر صرافی<sup>۱</sup>، میترا احمدی ترشیزی<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر تلاش می کند تا از طریق بررسی اجمالی نظریات توسعه در نیم قرن اخیر به ردیابی و روشن ساختن علل شکل گیری نظریات جدید بپردازد. در پی آن، با بررسی سه رویکرد توسعه انسانی، توسعه پایدار و توسعه اجتماعی، به طرح مفهوم توسعه به مثابه تغییر و نقش محوری ظرفیتهای اجتماعی در توسعه می پردازد و ضمن آن اهمیت محوری نقش بستر محلی در فرایند توسعه را مورد تاکید قرار می دهد.

**واژگان کلیدی:** توسعه انسانی، توسعه پایدار و توسعه اجتماعی، ظرفیت و توسعه

### مقدمه

به بیان آلن تورن (۱۹۹۲) شهرهای معاصر آیینه اجتماع خود، باز نمود عدم توسعه و بهای مدرنیزاسیون هستند. شکل غالب آنها، شهرهایی با ویژگیهای گسیختگی و دوگانگی است که با پدیده طردشدگی اجتماعی،<sup>۳</sup> جدایی گزینی فضایی و افزایش خشونت شهری مشخص می شوند. روندهای جاری اقتصاد جهانی، از یک سو، و تغییرات اجتماعی، از سوی دیگر، به شکل گیری مشکلات جدید شهری منجر شده است. تمرکز فقر، بیکاری و انزوا صورت غالب نه تنها شهرهای جهان در حال توسعه، بلکه شهرهای جهان توسعه یافته است.

<sup>۱</sup> گروه جغرافیا- دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۲</sup> دکتر در جغرافیا و برنامه ریزی شهری

<sup>۳</sup> . Social Exclusion

راه حل کشورهای عضو OECD در این مورد، اتخاذ سیاستهای ترغیب کننده باز تولید شهری، انسجام اجتماعی و توسعه محیطهای قابل زیست است. در مقابل، خط مشی اتحادیه اروپا در این خصوص در طول دهه ۱۹۹۰، مشخصا انسجام گسترده تر اقتصادی و سیاسی از طریق تخصیص نقشی محوری به شهرها برای کنترل و هدایت جریان بوده است.<sup>۱</sup> انرژی فوق العاده زیاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متمرکز در شهرها باید در جهت ایجاد انسجام اجتماعی و اقتصادی در اتحادیه اروپا به کار گرفته شود. با توجه به محدودیتهای کنونی، مطمئنا توسعه و گسترش مشکلات شهری و دغدغه های محیطی تابع زمینه های فراگیرتر جریانهای اجتماعی و اقتصادی خواهند بود. توسعه اقتصادی حتی در جهان شهرهای اصلی نیز اغلب با تداوم موجودیت محلات فقیر نشین و فقر شهری همراه بوده است.<sup>۲</sup> از این رو، توجه صرف به اقتصاد شهری و بی توجهی به زمینه های اجتماعی، محیطی، سیاسی، فرهنگی، روانی و فضایی بسیار مخاطره آمیز خواهد بود. به بیان زاکس (۱۹۹۴)، راه حلهای عقلانی و صرفا منطقی و استدلالی نمی تواند به تنهایی پاسخگوی تنشهای اجتماعی ناشی از توسعه نیافتگی، فقر اقتصادی و سیاسی باشد. بنابراین، جستجوی رویکرد های ابداعی در پاسخگویی به مسائل کنونی ضروری می نماید. سرعت رشد جمعیت و تحولات ساختاری آن بسیار بیش تر از تغییر و تطبیق ظرفیت سازیهای نهادی است. نهادهای موجود قادر به مدیریت و هدایت تحولات جاری نیستند. بیش از مشکلات حاصل از رشد جمعیت، مشکلات اساسی در ناهماهنگی موجود میان تغییرات جمعیتی و تغییرات نهادی است.<sup>۳</sup> در واقع، افزایش سریع جمعیت، همزمانی تغییرات و انطباق زیرساختها و نهادهای لازم و متناسب با نیازهای این انباشتگی را فراهم نساخته است. ناهماهنگی میان ساختارها و نهادهای موجود از یک سو و ساختارها و نهادهای لازم برای تطابق با ساختارهای اقتصادی - اجتماعی دائما در حال تغییر، سیستم را به سمت تعادلی کنترل نشده و ناپایدار به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی هدایت می کند. علل این ناهماهنگی را می توان عمدتا در پیشینه روند توسعه جستجو نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1 . Lehtonen, 2004

2 . Sachs, J., 1994

3 . Arrossi, et al., 1994

### ردیابی پیشینه

اولین و مشخص ترین پیامد فرایند نوسازی اقتصادی در کشورهای موسوم به عقب مانده، در زمان خود، چالش با زمینه هماهنگ و واحد اقتصادی موجود و تردید در برابر اعتبار جهانی مفاهیم و ابزارهای تحلیلی شکل گرفته از سوی اقتصادهای غربی بود. از اوایل قرن بیستم، در نقاط مختلف جهان، شواهد زیادی دال بر وجود تمایزات حل نشدنی میان دو نوع سازمان اجتماعی و اقتصادی و همزیستی پر تنش دو سیستم متفاوت اجتماعی و اقتصادی، یکی وارد شده و تحمیل شده توسط قدرتهای اقتصادی جهان یا به عبارتی روشن تر، قدرتهای استعماری و دیگری سیستم بومی موجود در محل وجود داشته است.<sup>۱</sup> رویکرد قوم مد/رانه غربی با توصیه پیروی از الگوی غربی برای توسعه بر این باور استوار بود که غرب باید مسئولیت و اجرای طرح تبعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهانی را بر عهده گیرد. در نتیجه، راهبرد توسعه مبتنی بر غربی سازی، به عنوان اولین نسخه فکری، بعدها تحت عنوان مدرنیزاسیون پدیدار گردید. نقش تمدن ساز کشورهای پیشرفته در اسناد رسمی مورد تاکید قرار گرفته بود. بدین ترتیب، واژه توسعه و نیاز به آن در مورد مردمانی که قادر به اداره امور خود در شرایط سخت جهان مدرن نیستند، به کار برده شد. در کنار این قییم مآبی و هدایت گری، از قرن نوزدهم همواره این پرسش برای اجتماعات محلی مطرح بوده است که علل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عقب ماندگی آنان نسبت به کشورهای پیشرفته چیست؟ همچنین، چگونگی دستیابی به توسعه اقتصادی و نحوه اجرایی و عملیاتی ساختن آن کدام است؟<sup>۲</sup> در فاصله دو جنگ جهانی، تاکید کلی بر اهمیت صنعت در مقایسه با کشاورزی بود و لازمه صنعتی شدن، انجام یک انقلاب صنعتی. شاید همین نقطه را بتوان به عنوان نقطه آغاز مشکلات ذکر نمود: توسعه یک اقتصاد ملی، اصلاحات ارضی و توسعه صنعتی.<sup>۳</sup>

بوجود آمدن رشته جدید اقتصاد توسعه، نقطه نظرات زیادی را گرد آورد: نقطه نظرانی که گرایش به تعریف و تحلیل قوانین تحولات اقتصادی داشتند؛ نظریاتی که در پی ساختن دنیایی جدید و بهتر بودند؛ نظریاتی که مبتنی بر حفظ اجتماعات محلی بودند؛ و آنهایی که سعی در رهایی از قانون مندیهای زیست گروهی، افزایش آزادیها و استقلال فردی داشتند.<sup>۴</sup> با وجود این

<sup>۱</sup> . Boeke, 1946, 1953

<sup>۲</sup> . Blomstrom & Hettne, 1984

<sup>۳</sup> . Salomon, et al., 1994

<sup>۴</sup> . Gendzier, 1985

تلاشها، در مجموع، اگر به تمامی نتوان اقتصاد توسعه را تولید دوره پس از جنگ دانست، به ناچار باید تاثیر پذیری بسیار زیاد آن از فضای جنگ سرد و استعمار زدایی، قوم مداری غربی و پدیدار شدن دولتهای مستقل در جهان سوم را پذیرفت.

پس از جنگ جهانی دوم، توسعه اقتصادی در حال و هوایی خوش بینانه و سرشار از اعتماد آغاز گردید. پیامد آن شکل گیری بحثهای متعدد، متنوع و اغلب متضاد متأثر از مکتبهای خاص فکری، حجم قابل توجهی از مشکلات و مواجهه کشورهای مختلف با سطوح متفاوتی از مشکلات ناشی از ایده های نشأت گرفته از مکتبهای مختلف اندیشه اقتصادی بود. عدم وابستگی و جدایی این سطوح مختلف اندیشه ای با یکدیگر، به تحکیم هر چه بیشتر خصیصه چند بعدی بودن موضوع کمک کرد. در نتیجه، هم به لحاظ نظری و هم سیاست گذاری انتقال تدریجی نظریات از یک دیدگاه صرفاً اقتصادی به دیدگاهی چند رشته ای و بین رشته ای اتفاق افتاد.<sup>۱</sup> در نخستین صورت بندیها، در چارچوب رشد اقتصادی، سرمایه به مثابه موتور رشد اقتصادی عنوان گردید. فقدان سرمایه، صورت متمایز کننده ای است که اقتصادهای با درآمد پایین را که به شدت بر کشاورزی کم محصول خود متکی اند، مشخص می سازد. نحوه صنعتی شدن این اقتصادها با امکان دستیابی به درآمد بالا چگونه می توانست صورت پذیرد؟ پاسخ ساده و بدون شک وشبهه بود: سرمایه گذاری. اما سرمایه چگونه و از کجا می آید؟

سرمایه لازم در عملیات آزاد بازار مبادلات خارجی، بازاری که امکان جذب سرمایه خارجی را داشته باشد و یا در جریان سیاستهای سرمایه گذاری دولتها در برنامه ریزی اقتصاد ملی و به حرکت در آوردن منابع در جهت کسب درآمد ملی بیشتر پدیدار می شود.<sup>۲</sup> با تشکیل سرمایه لازم امکان مطرح ساختن صنعتی شدن به مثابه کلید رشد، به عنوان دورنمای اصلی اغلب کشورهای فقیر در افزایش درآمد به وجود می آید. سیاست صنعتی شدن، با دستیابی به توسعه متوازن<sup>۳</sup> و یا غیر متوازن<sup>۴</sup>، با هدایت از طریق فشار بزرگ<sup>۵</sup> یا قطبهای رشد<sup>۶</sup>، یا از طریق انتخاب صنایع وابسته به بازارهای محلی<sup>۷</sup> دارای تقاضای موثر نسبت به کالاهای مدرن-

<sup>۱</sup>. میسر، ۱۳۷۸، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

<sup>۲</sup>. Salomonm et al., 1994

<sup>۳</sup>. Norkse, 1953

<sup>۴</sup>. Hirshman, 1958

<sup>۵</sup>. big push

<sup>۶</sup>. Perrouz, 1961

<sup>۷</sup>. Destanne de Bernis, 1966

کالاهایی که پیش از این از طریق واردات کالاهای ساخته شده خارجی معرفی شده بودند - دنبال می شد. واردات جایگزین شده با صنعتی شدن به معنای تغییر جهت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه از طریق ایجاد یک بخش صنعتی مدرن با توان جایگزین ساختن واردات با کالاهای ساخته شده محلی بود. ایده صنعتی شدن به جای واردات بر این نظریه متکی بود که منافع به تمامی بخشهای جامعه رخنه و نفوذ خواهد کرد و در نتیجه در وضع موجود، نیازی به تغییرات سیاسی یا اجتماعی برای اجرای چنین سیاست گذاریهایی توسعه ای وجود نخواهد داشت.

این اولین تلاشها در فرموله کردن مسائل اقتصاد توسعه، مورد تایید ساختارگرایان، نهاد باوران و گروه های غیر ارتدکس قرار گرفت.<sup>۱</sup> این در حالی بود که نئوکلاسیست ها - جبهه ارتدکس - از نیروهای بازار آزاد به عنوان موتور رشد اقتصادی و نقش عرضه و تقاضا در بازارهای محلی و بین المللی به عنوان تضمینی برای موفقیت اقتصادی صحبت می کردند. بازار به عنوان ابزاری برای مدیریت اجتماعی و اقتصادی دیده شده بود و در نتیجه به عنوان موثر ترین شیوه برای تصمیم گیریهای تخصیص بهینه منابع موجود در نظر گرفته می شد. طرفداران بازار آزاد که به شدت ساختارگرایان و محافظه کاران را مورد انتقاد قرار می دادند، معتقد بودند که تنها ایجاد بازار آزاد می تواند منافع را عاید کشورهای جهان سوم نماید (تئوری ریکاردو). نتیجه حاصل عبارت بود از:

- ایجاد توسعه اقتصادی به وسیله شرکتهای آزاد به جای دولتها؛
- بازار آزاد به جای برنامه ریزی؛ و
- تشویق صادرات به جای واردات.

این مجموعه به صادرات هر چه بیشتر مواد خام در کنار انتظار برای دستیابی به توسعه ناشی از سازوکارهای بازار آزاد منجر شد. این ایده توسط گروهی که روابط اقتصاد بین الملل را ناشی از سازوکارهای سلطه، فرمانبرداری و وابستگی می دانستند، مورد انتقاد قرار گرفت. ایده پویایی نابرابری ناشی از نیروهای مسلط در قالب ایده های وابستگی و مرکز - پیرامون، جایگزین ایده کلی وابستگی متقابل در نظریه تعادل عمومی نئوکلاسیک شد. از این زاویه، به طور مداوم ماهیت رابطه سبب بازتولید شرایط توسعه نیافتگی شده، شکاف میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته را عمیق تر می سازد. راه حل پیشنهادی توسعه مستقل و متکی به خود بود.

<sup>1</sup> . Salomon, et al., 1994

بعد از گذشت نزدیک به بیست سال از اولین برنامه های توسعه، نتایج حاکی از نبود راه حلی چشمگیر در چارچوب متغیرها و شاخصهای اقتصادی برای توسعه بود. واقعیت نیز نشانی از رخنه و نفوذ به پایین و تقسیم یکنواخت منافع نداشت؛ ثروتمندان ثروتمند تر و فقرا فقیر تر شده بودند. ارزیابی نتایج به گسترده تر شدن تدریجی زمینه مطالعات اقتصاد توسعه منجر گردید. با کاسته شدن از میزان توجه به اهداف صرف اقتصادی، تلاش در جهت بررسی انتقادی اقتصاد توسعه و یافتن راهبردهایی برای توسعه افزایش یافت. این تغییر در پیشنهاد های سازمانهای بین المللی و غیر دولتی که در جهت تعریف سیاستهای توسعه تلاش می نمودند نیز مشهود است. در ۱۹۶۹، دفتر بین المللی کار الویت مبارزه با بیکاری را در دستور کار برنامه جهانی خود قرار داد؛ بانک جهانی در اوایل دهه ۱۹۷۰ اولویت اول خود را توزیع مجدد در کنار رشد اعلام کرد؛<sup>۱</sup> سازمان ملل توزیع مجدد در کنار رشد را به مثابه تنها راه دستیابی به توسعه عادلانه اعلام داشت. در دهه ۱۹۷۰ یا دومین دهه توسعه، سازمان ملل تاکید خود را بر راهبردهای توسعه معطوف به اشتغال<sup>۲</sup> قرار داد. این تاکید به باز زنده سازی مفهوم بیکاری پنهان با عنوان جدید بخش غیر رسمی کمک کرده و تا حدودی در عمل به عنوان موتور نوع جدید توسعه تلقی گردید.<sup>۳</sup> مبارزه با فقر که از اوایل دهه ۱۹۶۰ در کشورهایی مانند هند، به عنوان نخستین رسالت همه برنامه ریزان توسعه مطرح شده بود، دغدغه اصلی سازمانهای بین المللی چون بانک جهانی گردید. نیازهای اساسی که شامل نیازهای مادی چون مسکن، غذا، لباس و خدمات اجتماعی، چون تامین آب آشامیدنی، سطوحی از بهداشت عمومی، حمل و نقل عمومی و آموزش همگانی بود، نیازهای غیر مادی چون حقوق بشر، کار و مشارکت در تصمیم گیریها را نیز در بر می گرفت.<sup>۴</sup>

بوجود آمدن و توجه به جنبه های جدیدی از مشکلات توسعه، تلاشهای انجام شده در این جهت را بی پاسخ باقی می گذارد:

- توسعه باید معطوف به نیازها، درون زا، متکی به خود و به لحاظ اکوژیک، زمینه مند و مبتنی بر تغییر ساختارهای اجتماعی باشد؛

<sup>۱</sup> . Chenery, 1974

<sup>۲</sup> . Employment-oriented Development Strategies

<sup>۳</sup> . Sethuraman, 1981; Kiching, 1982

<sup>۴</sup> . ILO, 1976

- ایده توسعه درون‌زا که به هویت فرهنگی و سبک‌های زندگی هر جامعه توجه داشت، مورد حمایت یونسکو قرار داشت؛ و

ایده دیگری که توسط کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل حمایت می‌شد:

- ایجاد نظم اقتصادی جدید جهانی با ضدیت کمتر نسبت به ارتباطات متقابل کشورهای در حال توسعه و توازی بیشتر با نیازهای توسعه‌ای آنها.<sup>۱</sup>

و ایده دیگر:

ایده توسعه پایدار تایید محوریت نوع بشر در توسعه‌ای پایدار مبتنی بر یک زندگی سالم و پر بازده در هماهنگی با طبیعت.<sup>۲</sup>

پیشنهاد دیگر:

ایده توسعه انسانی که با توجه خاص به آینده و با آگاهی زیاد نسبت به مشکلات زیست محیطی و جمعیتی زمین در چارچوب همین رویکرد جدید به توسعه مطرح می‌شد. این زمینه‌ای بسط یافته زیر سر فصل اقتصاد توسعه بود که در گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر شده از سال ۱۹۹۰ به بعد، به خوبی مطرح گردیده است.<sup>۳</sup>

#### از توسعه اقتصادی به توسعه انسانی

از دهه ۱۹۹۰، مفهوم توسعه انسانی با هدف افزایش ظرفیت و یافتن نگاهی جامع‌تر نسبت به دیدگاه‌های ساده و تثبیت شده توسعه اقتصادی بسط داده شده بود. شکست دیدگاه‌های تقلیل‌گرا که توسعه اجتماعی را به رشد اقتصادی تقلیل می‌دادند، سبب شکل‌گیری این نگاه جدید شد. از این رو، با این نگاه نظریات جدید طالب چرخشی به سمت توسعه همه‌جانبه و فراگیر نسبت به مباحث صرفاً اقتصادی شدند.

اولین گزارش سازمان ملل در خصوص وضعیت اجتماعی جهان در ۱۹۵۲ با توصیف شرایط اجتماعی موجود خواستار توجه جهانی به توسعه اجتماعی شد. اصطلاح توسعه اجتماعی به کندی و همراه با ابهام و بدون تعریفی مشخص، به مثابه جایگزینی برای مفهوم ایستای وضعیت اجتماعی در کنار اصطلاح توسعه اقتصادی رایج گردید. بتدریج ضرورت ایجاد توازی میان امور

<sup>۱</sup> . Abdelmalek, 1984

<sup>۲</sup> . WCED, 1987

<sup>۳</sup> . Salomon, et al., 1994

اجتماعی و اقتصادی مطرح گردید. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در ۱۹۶۲ تلفیق هر دو جنبه را پیشنهاد کرد. پیشنهاد دربرگیرنده گزینه توسعه به علاوه دگرگونی بود- دگرگونی اجتماعی، فرهنگی و کیفی در قالب پیشنهادهایی برای عمل- که در اولین دهه توسعه در سازمان ملل متحد (۱۹۶۰-۱۹۷۰) مطرح گردید و بر ضرورت هماهنگی برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی تاکید نمود. به بیان استوا (۱۹۹۲: ۲۵)، برخلاف اولین دهه توسعه که در آن جوانب اجتماعی و اقتصادی توسعه از هم جدا مانده بود، دومین دهه توسعه به سوی تلفیق دو جنبه آن هدایت گردید. در سال ۱۹۷۰ استراتژی توسعه بین المللی همراه با طرحی برای صورت بندی یک رویکرد واحد به توسعه و برنامه ریزی با هدف اقدام مشترک و متمرکز در تمام حوزه های زندگی اقتصادی و اجتماعی اعلام گردید. از اهداف اصلی این رویکرد می توان به ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری، تعقیب عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت و توسعه انسانی اشاره نمود. در این دهه مسائل عمده ای چون محیط زیست، جمعیت، گرسنگی، زنان، بوم یا زیستگاه و اشتغال پی در پی به صحنه آمدند و توجه نهادها و اذهان عمومی را به خود معطوف ساختند، اما به یک کل یکپارچه و واحد دست نیافتند. در ۱۹۷۴ در پی یافتن اصل وحدت بخش و یگانه ساز توسعه انسانی، این اصل به عنوان هدف توسعه عنوان گردید.<sup>۱</sup> توسعه باید یکپارچه و فراگیر باشد، فرایندی تمام عیار و چند وجهی که تمام ابعاد زندگی یک جامعه، روابط با دنیای خارج و وجدان و آگاهی را فراگیرد.<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۷۰ استراتژی توسعه بین المللی، رویکرد نیازهای اساسی با هدف دستیابی به حداقل معینی از سطح زندگی تا پایان قرن را تقاضا می نمود. این رویکرد با صحنه گذاردن بر این نکته که توسعه نمی تواند گرسنگی و بدبختی را از بین ببرد و فقر مطلق به یقین سبب تشدید رشد جمعیت می شود، پیشنهاد گردید. در تکاپوی یافتن راه حل، کارشناسان یونسکو توسعه درون را مطرح ساختند. توسعه درون را تقلید مکانیکی از جوامع صنعتی و شیوه خطی دستیابی به توسعه را رد کرده، بر توجه به ویژگیهای ملتها اصرار می ورزید، اما این نظریه در بطن خود دچار تناقض و لزوما محکوم به بن بست بود. اگر محرکها و انگیزه ها به یقین درون زا بوده و ابتکارات نیز از دل فرهنگها و نظامهای ارزشی برخاسته باشند، در صورتی که هدف توسعه باشد، هیچ چیز نمی تواند تضمین کننده این امر باشد که انگیزه ها و ابتکارات ضرورتا به توسعه خواهند انجامید.

<sup>۱</sup> . UNDP-UNCTAD, 1974

<sup>۲</sup> . یونسکو، ۱۹۷۷



به بیان استوا (۱۹۹۲)، دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از کشورها در مواجهه با فرایند تعدیل، دهه از دست رفته منظور گردیده است. فرایند تعدیل در بسیاری از کشورها مترادف با ویران نمودن دستاوردهای پیشین به نام توسعه بوده است. روح توسعه گرایی تازه ای در دهه ۱۹۹۰ سر برمی آورد که مسیری کاملاً مجزا در کشورهای شمال و جنوب را می پیماید.

توسعه مجدد در شمال و جنوب، هر دو در چارچوب و قالب توسعه پایدار، سبب احیای علایق فراموش شده ای در ادبیات آکادمیک نسبت به ابعاد اجتماعی توسعه می گردد که با توجه فزاینده به نقش نهادها، حکمروایی و سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه نمایان می گردد. اساساً، پذیرش سیاسی توسعه پایدار توسط ملت‌ها منوط به ظرفیت آن در پاسخگویی به مشکلات مستمر اجتماعی است. این نگرشی است که دغدغه های زیست محیطی را به مثابه یک نگرانی اجتماعی اولویت می بخشد. در نتایج منتشرشده از مذاکرات اجلاس ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲، چرخشی به سمت مسائل اجتماعی کاملاً مشهود است.<sup>۱</sup>

به هر حال، توسعه پایدار در میان فصل مشترکها و اهداف عمدتاً متضاد خود میان توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و حفاظت زیست محیطی است که شکل می گیرد. از کنفرانس ریو در ۱۹۹۲ به بعد، توسعه پایدار به عنوان ترکیبی سه بعدی از توسعه - یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه معطوف به محیط زیست - درک شده است.<sup>۲</sup>

### توسعه پایدار، مدل سه بعدی و مدل زیستی - اقتصادی

مدل سه بعدی توسعه پایدار به طور ضمنی متکی بر ایده حفاظت از سرمایه هاست. از این رو، پایداری را در حفاظت، نگهداری و افزایش سرمایه های (تولیدی، طبیعی و اجتماعی) معنا می کند و خاستگاهی مبتنی بر اقتصادیات می یابد.<sup>۳</sup> در نتیجه، تداوم بخش خصوصیات اقتصاد گرایی و تولید گرایی جامعه مدرن است.

در این مدل سه بعد در کنار یکدیگر و در تعامل باهم قرار می گیرند. از این رو، تبادلات و هم افزایی میان آنها خود موضوعی چالش برانگیز می گردد. شیوه تصمیم گیری نسبت به اهداف این سه بعد، موضوعی سوال بر انگیز است، چه صورت بندی را می توان بین عقلانیت

<sup>۱</sup> . Lehtonen, 1994

<sup>۲</sup> . OECD, 2001; Commission of the European Communities, 2001

<sup>۳</sup> . Zaccai, 2002, pp. 148-241

اقتصادی، عدالت اجتماعی و تعادل اکولوژیک فرمول بندی کرد. رفاه مادی چگونه در کنار نگرانی نسبت به اکوسیستمهای طبیعی قرار می گیرد. راه حل میانه احتمالا می تواند در گسترش همزمان سه بعد مطرح گردد.<sup>۱</sup> ابعاد بازتابی، ربطی و چند بعدی مسائل اجتماعی به دشواری می تواند با ابعاد ابزاری و عقلانی اقتصاد از یک سو و ابعاد ساختاری و همسانی اکولوژیک از سوی دیگر و تحت یک روش و یک چارچوب مطالعه گردد.

مدل دیگری که در تحلیل این سه بعد به کار گرفته شده است، مدل زیستی - اقتصادی است؛ مدلی که سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در آن به صورت سه دایره هم مرکز دیده شده اند. دایره محیط زیست، دایره اجتماعی را محدود می سازد و درونی ترین دایره، دایره اقتصاد است. دایره ای که در حین محدود شدن با دایره اجتماعی، حافظ سیستم های زیستی - فیزیکی لازم برای فعالیت انسانی است؛ یا به عبارتی محدود به ایده قرار گیری فعالیتهای اقتصادی در خدمت تمامی نوع بشر است. این مدل بازتاب ایده محدود شدن نیروهای اقتصادی توسط نیروهای اجتماعی و سیستمهای زیستی تحدید کننده هر دو و همزمان، تسهیل کننده چرخه های بازتولید اقتصادی برای تداوم سیستمهای زیستی فیزیکی مورد نیاز انسان است. به بیان هاکینیو، دو نکته اساسی در این مدل وجود دارد:

نکته اول، توجه به ناپایدار بودن محدودیتهای زیستی - فیزیکی با توجه به توسعه و تحول دانش و تکنولوژی است؛ و نکته دوم،

سلسله مراتبی بودن رابطه میان دایره ها به معنای میزان اهمیت و مطرح بودن یکی نسبت به دیگری است.<sup>۲</sup>

از این رو، در مجموع، سه بعد به طور متقابل و با نسبتهایی متاثر از میزان ارتباط و پیوند با یکدیگر، تحدید کننده و موثر بر یکدیگرند، اما به واقع، لزومی برای ترکیب آنها و تحلیل و بررسی توأمان این سه بعد با هم وجود ندارد؛ در حالی که باید بر این موضوع نیز تاکید نمود که به حاشیه راندن بعد اجتماعی در بررسی توسعه پایدار به دلیل قطع ارتباط اجتماعی، به معنای به حاشیه رانده شدن کل موضوع خواهد بود.

<sup>۱</sup> . Passet, 1996; Harribey, 1998; Upton, 2002; Empacher, 2002; Dubios & Mahieu; Le Bot, 2002

<sup>۲</sup> . Hukkineu, 2003

بعد اجتماعی امروز متأثر از نیروهای دگرگون ساز جهانی شدن دستخوش تغییراتی اساسی شده است. توسعه پایدار به مثابه فراروایتی بوم محور، امکان استقرار و قلمرو یابی خود را تنها در همسویی با ساختارها و نهادهای محلی خواهد یافت. با وجود چرخش محسوس در جهت همسویی با گرایشات محلی در تفکر توسعه، باز هم بار ساختاری- نهادی فراروایتی توسعه، همچنان مواجه با الزام تغییر بستر ساختاری- نهادی موجود است. بر این اساس، تغییر به مثابه توسعه یا به عبارت دیگر، توسعه به مثابه تغییر، دستورکاری است که می تواند امکان نوشدن زمینه را مهیا سازد.

### توسعه به مثابه تغییر سازمانی و نقش محوری ظرفیت محلی

تمام نظریه پردازان توسعه بر تحول اورگانیک و دائم بیشتر جوامع بر مبنای عقلانیت ذاتی و متکی بر منابع و توانمندیهای خود اتفاق نظر دارند. از این رو، این فرض که جهان در حال توسعه با ظرفیتهای پایین و ضعیف خود، با دنبال کردن الگوهای غربی قادر به از سرگیری مسیر باشد، از دید آنان یکسره ناممکن می نماید. به بیان این نظریه پردازان، طبیعی ترین فرایند، توسعه به مثابه تغییر است. این به معنای ترویج فرایندهای بومی، ساخته شده از ذخایر دانش و ظرفیتهای محلی و بسط این ذخایر در دستیابی به اهداف و آرمانهایی است که خود آن جوامع در برنامه خود قرار داده اند. اما ظرفیت چیست؟ ظرفیت را، به سادگی، توان انجام کارکردها، حل مشکلات و طراحی و دستیابی به اهداف تعریف کرده اند.<sup>۱</sup> نیازهای ظرفیتی توسعه در سه سطح بررسی می شوند:

- فردی: توانمندسازی افراد برای ادامه فرایند آموزش- براساس دانش و مهارتهای موجود و بسط و گسترش آن در مسیرهای جدید به مثابه زمینه سازی برای فرصتهای جدید؛
- نهادی: نهادسازی متکی بر ظرفیتهای موجود به جای تلاش در جهت ساخت نهادهای جدید، بر مبنای الگوها یا دولتها یا کمکهای خارجی، مانند مرکز تحقیقات کشاورزی یا مراکز کمکهای قضایی، توسعه و بسط نیاز برای جستجو و یافتن خلاقیت موجود، هرچند نوپا و تلاش در جهت رشد آنها؛ و

<sup>۱</sup> . Fakuda-Parr, et al., 2002, p. 8

- اجتماعی: بر مبنای ظرفیتهای موجود در جامعه به مثابه یک کل یا به مثابه یک تغییر برای توسعه. به طور مثال، ایجاد انواع فرصتها در بخش عمومی یا خصوصی که مردم را قادر به استفاده و بسط ظرفیتهای خود تا کامل ترین صورت آن نماید. بدون چنین فرصتهایی، مردم با افول یا کهنه شدن سریع مهارتهای خود مواجه خواهند شد. نبود فرصتهای محلی برای یادگیری آنها را به جستجوی فرصتها در نقاط دیگر ترغیب خواهد نمود.

لایه های مختلف ظرفیتی در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. این مفهومی است که وسعت، دامنه و گستره آن وسیع تر از مفهوم منابع انسانی است. این مفهوم نه تنها به کسب مهارتها مربوط می شود، بلکه در ارتباط با استفاده از آنها نیز قرار می گیرد. مفهومی که نه تنها درباره ساختار اشتغال صدق می کند، بلکه درباره سرمایه اجتماعی و علل متعهد شدن افراد در کنشهای اجتماعی نیز صادق است. براین مبنای توسعه به مثابه تغییر، پارادایم جدیدی است که با هدف حل مشکلات پیشین در توسعه از طریق توسعه ظرفیت ها و نوآوری های نهادی مطرح گردیده است.<sup>۱</sup> در این تفکر، توسعه دیگر در وحله نخست، به مثابه فرایند انباشت سرمایه نگریسته نمی شود، بلکه به عنوان یک فرایند تغییر سازمانی مورد توجه قرار می گیرد.<sup>۲</sup> این تغییر به خوبی در بستر علایق اجتماعی و زیست محیطی قابل تبیین است. عدم تطابق با بستر محلی در تجربیات پیشین، دستیابی به اهداف اقتصادی را منوط به مشارکتهای محلی نموده، یک فرایند مداخله اقتصادی را به یک مشارکت اجتماعی بدل می نماید. الزامات آن فهم و ایجاد توسعه ای پایدار از طریق ضمیمه کردن فرایندهای دربرگیرندگی اجتماعی است.

در مجموع، می توان به مسیری آغاز شده از توسعه یک اقتصاد ملی، اصلاحات ارضی و توسعه صنعتی اشاره کرد که متاثر از رویکردهای مختلف و فضای جنگ سرد، استعمارزدایی، قوم مداری و ظهور کشورهای مستقل در جهان سوم و مکاتب مختلف اندیشه اقتصادی به سوی دیدگاهی بین رشته ای و چند بعدی گرایش یافته است. در نخستین صورت بندیها با ایده سرمایه به عنوان موتور رشد اقتصادی آغاز می گردد و با صنعتی شدن به مثابه کلید رشد ادامه می یابد. با ایده نیروهای بازار آزاد به عنوان موتور رشد اقتصادی، چرخشی به سمت جایگزینی شرکتهای آزاد به جای دولتها، بازار آزاد به جای برنامه ریزی و تشویق صادرات به جای واردات

<sup>۱</sup> . ibid

<sup>۲</sup> . Stiglitz & Haff, 2001. in: Olate, 2003

یافته، به انتظار دستیابی به توسعه ای ناشی از مکانیزمهای بازار آزاد می نشیند. با نقد حامیان تسلط سلطه و وابستگی در روابط بین الملل، ایده پویاییهای نابرابری در قالب ایده های وابستگی و مرکز- پیرامون جای ایده کلی وابستگی متقابل در نظریه تعادل عمومی را می گیرد. راه حل پیشنهادی توسعه ای مستقل و متکی به خود است.

تغییر شرایط جهانی و ناکارآمدی راه حلها، چرخش به سمت الویتهای مبارزه با بیکاری و فقر را شکل می دهد. این چرخش به مطرح شدن ایده توزیع مجدد در کنار رشد به مثابه توسعه عادلانه می انجامد. بازناسی مفهوم بیکاری پنهان با اصطلاح جدید بخش غیر رسمی و اقتصاد غیر رسمی در عمل، به عنوان موتور جدید توسعه شناخته می شود. به دنبال آن، ایده های توسعه درون زا، نظم اقتصادی جهانی، توسعه پایدار و توسعه انسانی به هدف افزایش ظرفیت و یافتن دیدگاهی فرا اقتصادی به مساله توسعه مطرح می گردد. دیدگاه جدید چرخشی از مباحث صرفا اقتصادی به سمت توسعه ای همه جانبه و فراگیر در قالب توسعه اجتماعی را سبب می شود. راهبرد توسعه بین المللی در دهه ۱۹۷۰ با رویکردی واحد به توسعه و برنامه ریزی و با هدف اقدام مشترک و متمرکز در تمام حوزه های زندگی اقتصادی و اجتماعی اعلام می گردد. از اهداف اصلی این رویکرد می توان به ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری، تعقیب عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت و نیز توسعه انسانی اشاره نمود.

## منابع

- ۱- بانک جهانی: توسعه پایدار در جهان در حال تحول؛ نهادهای انتقالی، رشد و کیفیت زندگی، ترجمه علی حبیبی، غلامرضا گرائی نژاد و نسرین قبادی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، تهران، ۱۳۸۳؛
- ۲- بانک جهانی: گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۰-۲۰۰۱؛ مبارزه با فقر (۱۳ دبیر اجرایی سکونتگاه های انسانی سازمان ملل متحد)، ترجمه نوید سعیدی رضوانی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری، تهران، ۱۳۷۳؛
- ۳- دستور کار ۲۱ (کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه)، ترجمه حمید طراوتی و سید امیر ایافت، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۷؛
- ۴- میر، جerald: مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸؛

5. Arrossi, S. et al., Funding Community Initiatives, Earthscan, London, 1994;
6. Friedmann J. and Weaver C., Territory and Function: The Evolution of Regional Planning, London, 1979;
7. Fukuda-Parr, Sakiko, Carlos Lopes, Khalid Malik, Capacity for Development, New Solutions to Old Problems, Earthscan, London and Virginia, UNDP , 2002;
8. Gendzier, Irene, Managing Development Change: Social Scientists and the Third World Boulder, Colo, Westview Press, 1965;
9. Lehtonen, M., The Environmental – Social Interface of Sustainable Development: Capabilities, Social Capital, Institutions, Ecological Economics, (Article in Press);
10. Nurkse, R., Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries, Oxford: Blackwell, 1953;
11. OECD, Policies to Enhance Sustainable Development. , OECD, Paris, 2001;
12. OECD, The Concept of Socially-Sustainable Development: Review of Literature and Preliminary Conclusions (SG/SD(2001)13). , OECD, Paris, 2001;
13. OECD, Towards a sustainable development. 2001;
14. Olate, Rene, Local Institutions, Social Capital and Capabilities, Challenges for Development and Social Intervention in Latin America, Washington University in St Louis, October, 2003
15. Sachs- Jeantet, The Uncertain Quest: Science, Technology, and Development, United Nation University Press ,Tokyo, New York, Paris, 1994;
16. Sachs-Jeantet, Celine, Managing Social Transformation in Cities, A Challenge to Social Sciences, Discussion Paper- No.2, Website, MOST, 1994;
17. Salomon, Jean Jacques, Francisco R. Sagati and Celine Sachs-Jeantet, Science, Technology, and Development, United Nation University Press, Tokyo, New York, Paris , 1994;
18. Schiffer, Sueli Ramos, Globalisation, Social Exclusion and Spatial Change, 1999, Website;
19. UNCHS (HABITAT), The State of The World's Cities. 2001;

20. UN-HABITAT, The State of the World's cities, 2004/2005, Earthscan;
21. UN-HABITAT, The World Urban Forum, Website, 2002;
22. UN Center for Human Settlements(UNCHS)(UN-Habitat), An Urbanising World: Global Report on Human Settlements, NewYork/ Oxford: Oxford University Press, 1996;
23. United Nations Department of Economic and Social Affairs, Multinational corporations in world development, annex II;
24. United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat), The Challenge of Slums, Global Report On Human Settlements 2003.

